

ماده تاريخ سازى در شعر است

م. محمد عيسى كاظم جامعة واسط كلية الاداب قسم
الدراسات الشرقية

مقدمه :

شعر ، در لغت به معنی دانش وفهم وادرا ک است که چامه ، سرود ، سخنوچکامه نیز خوانده شده است ودر تعريف آن گفته اند ،کلامى است موزون ومقفى که داراى معنى باشد.

همه ما اهميت و نفوذ شعررا ميدانيم ، و بسيارى از وقايعتاريخى از جهت که ورد آن به شعر در حافظه مردم ميماند.

شاعران و ادیبان فارسى نويسپارسى سراى ، حوادث تاريخى و وقايع و اتفاقات جالب نظر را در خلال عبارات کوتاه يا در قالب ابیات و مصراعها منعکس ميکنندو
اصطلاح (ماده تاريخ) ميگویند .

در اين راه است ، تاريخىکواقعه مهم کاملادقيق ثبت شود و کمتر مورد تحريف و فراموشى قرار گيرد ، همچنينهنگام وقوع یک حادثه معمولاً چندین ماده تاريخ ساز سال آن حادثه را باعباراتى متفاوت رقم مى زنندکه در اين صورت مى توان با حساب تاريخىکه آن عبارات نشان مى دهندوتطبيق آنها بايکديگر زمان یک واقعه را به صورتیکاملادقيق مشخص کرد.

پژوهشم (ماده تاريخ سازى در شعر است)به روش وسبك ن گارش شاعران ماده تاريخ واقسام اين گونه بيان ميکند .ارزومندمخوانندگان محترم از اين تحقيق بهره بگيرند .

تاریخ سرای در شعر:

ماده تاریخ آنست که شاعر در شعر خود تاریخ وقایع و حوادث مهم و موضوعات و پیش آمدهای جالب توجه و قابل ضبط مانند: ولادت، مصاهرت، مرگ اشخاص بزرگ، جلوس سلاطین و وزرا، و امرا بر مسند سلطنت و وزارت و امارات و بنای کاخهای با شکوه و مساجد و پلها و کاروان سراها و اماکن خیریه و تالیف کتب و تدوین دواوین و دیگر موضوعات مهم را بقول صریح یا به حساب جمل (ابجد) بیان کند (1).

انواع ماده تاریخ: ماده تاریخ را بچند صورت ساخته اند.

1- تاریخ واقعه را به طور صریح بیان می کند) تاریخ در شعر به صورت

معمولی): این نمونه طبیعی ترین و قابل فهمترین نوع از ماده تاریخ است، در این نوع اشعار تاریخ حادثه ها و رویدادها به صورت مشخص و صریح آورده میشود (2).

کسائی مروزی (3) میگوید:

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال
چهار شنبه و سه روز باقی از شوال
بیام به جهان تا چه گویم و چه کنم

سرود گویم و شادی کنم به نعمت و مال

ستوروار بدین سان گذاشتم همه عمر
که برده گشته فرزندم و اسیر عیال (4).

جامی (5) در تاریخ ولادت خود میگوید:

به سال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی

که زد ز مکه به یثرب سرادقات جلال

ز اوج قله پروازگاه عز قدم

بدین حضيض هواست کرده ام پر و بال (6).



سعدیشیرازی (7) در تاریخ تنظیم شاهکارهای ادب ایران یعنی بوستانو گلستان خود چنین میگوید :

به روز همایون و سال سعید

به تاریخ فرخ میان دو عید

ز ششصد فزون بود پنجاهو پنج

که هر تَر شد این نام بردار گنج

اما در تاریخ تنظیم (گلستان) میگوید :

در آن مدت که ما را وقت خوش بود

ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود

مراد ما نصیحت بود و گفتیم

حوالتبا خدا کردیم و رفتیم (8).

حافظ شیرازی (9) چنین گفت :

سرور اهل عمائم شمع جمع انجمن صاحب

صاحبقران ، خواجه قوام الدین حسن

سادس ماه ربیع الآخر اندر نیمروز

روز آدینه به حکم کرد گار نو المنن

هفتصد و پنجاه و چار از هجرت خیر البشر

مهر را جوزا مکان و ماه را خوشه وطن

مرغ روح شکو ، همای آشیان قدس بود

شد سوی باغ بهشت از دام این دار سخن (10).



2- ماده تاريخ لف ظى (تاريخ واقعه را به حسب حروف ابجد): كلمه يا كلماتى

معنى دار است كه به حساب جمل مساوى با يك تاريخ مشخص و مورد نظر مى شود ، به عبارت ديگر ماده تاريخ به حسب حروف ابجد آن است كه مجموع حروف بيت يا مصراع يا عبارتى به حساب ابجد با تاريخ واقعه اى تطبيق كند ، به شرط واژه اى كه بعنوان ماده تاريخ ساخت مى شود، با موضوع و مورد نهايت تناسب را داشته باشد(11).

قاعده كلى انست، كه هر حرف مكتوب است بر طبق شماره حرف ابجد عربى ميباشد ، يعنى براى هر حرف عددى در نظر گرفته شده كه عدد هر كلمه از جمع عددهاى مربوط به حروف آن بدست مى آيد.

جدول حروف ابجد به شرح زير است:

اعداد از 1 تا 1000 به بيست و هشت حرف عربى تقسيم شده است ، براى اسانى از بر كردن ترتيب اين حروف هر چند تا حرف پيائى بشكل واژه در آمده و تلفظ ميشوند . اين واژه ها عبارتند از: (ابجد ، هوز ، حطى ، كلمن ، سعفص ، قرشت ، ثخذ ، ضنغ)(12).

جدول عدد ابجد مربوط به هر حرف



60	س	1	أ
70	ع	2	ب
80	ف	3	ج
90	ص	4	د
100	ق	5	هـ
200	ر	6	و
300	ش	7	ز
400	ت	8	ح
500	ث	9	ط
600	خ	10	ي
700	ذ	20	ك
800	ض	30	ل
900	ظ	40	م
1000	غ	50	ن

برای محاسبه ماده تاریخی عبارت، اسم، کلمه، یا باید اینگونه عمل کنیم.

برای شرح بهتر یک مثال را در نظر میگیریم .



بطور مثال میخواهیم ماده تاریخلمه (الله اکبر) را محاسبه کنیم:

1- حروف آن کلمه را تفکیک کنیم. (ا- ل - ل ه ا- ک - ب- ر).

2- عددی را که مقابل هر حرف قرار دارد (اعداد ابجد حرف ها را) یادداشت می کنیم.

$$(ا=1، ل=30، ل=30، ه=5)، (ا=1، ک=20، ب=2، ر=200)$$

برای اینکار از لیست بالا استفاده کنید.

$$3- اعداد ابجد را با هم جمع می کنیم $(1+30+30+5)=66$ $223=(200+2+20+1)$$$

پس ماده تاریخی عدد ابجد کلمه (الله اکبر) معادل $289=223+66$ می باشد.

یاد آوریها:

1- در زبان فارسی علاوه بر حروف ابجد (عربی) چهار حرف دیگر

دارند که برای محاسبه آنها به این صورت عمل می کنیم،

که به جای حرف (پ) حرف (ب) $=2$

به جای حرف (چ) حرف (ج) $=3$

به جای حرف (ژ) حرف (ز) $=7$

و به جای حرف (گ) حرف (ک) $=20$ را قرار می دهیم.

2- (همزه) مانند حرف (الف) مساوی به (1) حساب میشود .

3- محاسبه بر حسب شکل نوشتاری حروف می باشد و نه تلفظ است .

برای مثال در کلماتمانند : (هذه)، (رحمن)، (اسحق) و... ، حرف الفراء که در تلفظ آنها وجود دارند را محاسبه نمیکنیم و تنها حروف نوشته شده محسوب می باشند.

4- برخی از کلمات مانند: پاییز، زیبایی و... را کهدارای حرف (ی) می

باشند ، می توان در صورت لزوم به صورت : پائیز ،

زیبائی...نوشته ودر این حالت اگر به حرف (ی) نوشته شد انها را

(10=) محسوب کنیم واگر به(همزه) آنها را (=1) میباشد .

5- در حالت وقفی آخر کلماتی همچون (الجن ه) و (الروضه) و... را مانند ،

دخل الجن ه ه (-) ودر صورت اضافه شدن ، مثل جنة الفردوس (ت)

حساب می کنند.

6- در کلماتمانند: آب ، آتش ، آدم و... که همزه و الف در اول کلمه قرار

گرفتهاند گاهی همزه و الف هر دو حساب می شوند که برابر استبا (= 2)

و گاهی تنها الف محاسبه میشود (= 1) مثلا : واژه ی آدم برابر با 45

است که در صورت لزوم می توان آن را 46 به حساب آورد .

7- در واژه ی مبارک (الله) حتی اگر با رسم الخطی به صورت (اله) نوشته

شود ، همیشه دو لام را محاسبه می کنیم و همچنین الف دوم را

که خوانده میشود و لیمکتوبنمیشود را در برخی موارد میتوان

محاسبه کرد(13).

اقسام ماده تاریخ لفظی :



1- ماده تاریخ صریح : گاهی کلمات دقیقاً جمع سال مورد نظر را به

حساب ابجد نشان می‌دهند(14).

مثال :

جلال الدینهمایی (15) در مرگ بهار (16) قصیده سروده است ، که تاریخ وفات او را هم در آن بیان نموده بود:

ایدریغا رفت استاد سخنگویان بهار

عالم فضل و هنر در مرگ او شد سوگوار
حسرتا دردا که از بد عهدیایامگشت

ملکدانشیملکشهر ادبی شهریار
نظم او ماء معین و نثر او در ثمین

طبع او سحر آفرینوکلک او معجز نگار
نامه اندرسوک استاد سخن بشخودروی

خامه در مرگ خداوند قلم بگریست زار
ز آنکه در مرگملک استاد استادان نظم

خود بصد حسرت عیان دیدم بچشم اعتبار
خود غلط گفتم که استاد سخن هرگز نمرد

آن کجا کاخ سخن برپا ست باشد پایدار
هست نامش جاودان در دفتر خلق جهان

هست جاننشادمان در رحمت پروردگار
موسم سرسبزی باغ و چمنیژ مرده گشت

گلبنیکش بود بس گلهای نغز کامکار
کلکشکین سنا از بهر تاریخش نوشت

(گلشن علم و ادب بفسر دیامرگ بهار)(17).



مصرع (گلشن علم و ادب بفسردبامرگ بهار) به حساب ابجد می شود 1370 هـ . قسال
مرگ استاد بهار .

صائب تبریزی (18) تاریخ بنای کاخ چهل ستون اصفهان را چنین سروده است .

خامه صائب رقم زند از پس تاریخ او

(قبله گاه تاجداران باد دایم این مکان) (19).

مصرع (قبله گاه تاجداران باد دایم این مکان) به حساب ابجد می شود 1057 . یعنی
سال به پایان رسیدن بنای کاخ چهل ستون اصفهان.

محمد گلندام در مقدمه ای که بر دیوان حافظ نوشته، سال وفات حافظ را چنین ضبط
کرده:

بسال (ذال) و (صاد) و (حرف اول) ز هجـرت میمون احمد

به سوی جنت اعلی روان شد فرید عهد شمس الدین محمد

به خاکپاک او چونبرگذشتم نگهکردم صفا و نور مرقد (20).

در این شعر، تاریخ در گذشت حافظ در سه حرف ذال (ذ= 700)، صاد(ص= 90) و
حرف اول یعنی ، الف (أ=1)، به حساب ابجد (791) می شود. و این سالمرگ خواجه
شمس الدین محمد حافظ است .

از طرف دیگر قطعه ذیل را نیز بعدها در تاریخ وفات خواجهسروندند:

چراغ اهل معنیخواجه حافظ کھشمعی بود از نور تجلی

جو در خاکمصالیافت منزل بجو تاریخش از (خاکمصلی)



عبارت (خاك مصلى) به حساب ابجد، یادآور سال 791 هجرى قمرى، يعنى سال درگذشت خواجه حافظ است.

محمد تقیبهار تاریخ فوت شاعر بزرگایرجمیرزا (21) به بیشتر از قصیده ضبط کرده .
وچنین گفت :

سکته کرد و مرد ایرج میرزاقلب ما افسرد امهرج میرزا
بود مانند می صراف طهورخالی از هر درد ایرج میرزا
از دل یاران به اشعار لطیفزنگ غم بسترده ایرج میرزا
دائما در شادی یاران خویشپای می افشرد امهرج میرزا
گورکن فضل و ادب را گل گرفتچون بگل بسپرد ایرج میرزا
گفت بهر سال تاریخش بهار: (وه چه راحت مرد ایرج میرزا)(22).

قصیده دیگر :

رحمت ایزد بر ایرج میرزا کوب کیوانفر ایرج میرزا
شعر هایش نغز و شیرین بود و نو همچو شهد و شکر ایرج میرزا
در میان همگان خویش بود سربلند و برتر ایرج میرزا
روز و شب عمر گرانقدرش گنشتبا کتاب و دفتر ایرج میرزا
سکنه کرد و رفت ازین دنیا دون شاعر دانشورایرج میرزا
زد رقم سال وفاتش را هُداء : (رحمت ایزد بر ایرج میرزا)(23).

درقصیده اول ، مصرع (وه چه راحت مرد ایرج میرزا) به حساب ابجد می شود 1344 هـ . ق

وهمچنین در قصیده دوم ، مصرع (رحمت ایزد بر ایرج میرزا) به حساب ابجد می شود
1344 هـ . ق ، یعنی سال مرگ شاعر ایرج میرزا .



2 - ماده تاريخ غير صريح: كه صورت معما به خود مي گيرد و آن چنين

است، كه بايد اعدادي را بر كلمات افزود يا از آن كسر كرد (24).

مثال:

صبای كاشانی در مرگ آقا محمد خان و جلوس فتح علی شاه ميگويد:

رقم زد منشی طبع صبا از بهر تاريخش

ز (تخت) (آقا محمد خان) شد و بنشست (باباخان) (25).

كهبايد بر عدد كلمه (تخت) (باباخان) را افزود و سپس (آقا محمد خان) را از آن

كاست .

تخت + باباخان - آقا محمد خان = جلوس بابا خان (فتح عليشاه قاجار)

تخت = 1400 ، باباخان = 657 ، آقا محمد خان = 845

$1400 + 657 = 2057 = 845 - 1212$ هـ . ق جلوس بابا خان .

در وفات (دولت) فرزند فتح علی شاه در سال 1237 صبا چنين گفت:

صبا گفت از گاه فتح علی شه

چو دولت برون رفت حشمت آمد .

كه از (گاه فتح علی شه) بايد كلمه (دولت) را كاست و (حشمت) را بر آن افزود (26) .

گاه فتح علی شه - دولت + حشمت = وفات (دولت) فرزند فتح علی شاه .

گاه = 26 ، فتح = 488 ، علی = 110 ، شه = 305

$929 = 305 + 110 + 488 + 26$

دولت = 440 ، حشمت = 748 .

$1237 = 748 + 440 - 929$ تاريخ وفات (دولت) فرزند فتح علی شاه.

مشتاق اصفهاني در تاريخ وفات (خادم) را كه از شعرا ي زمان نادرشاه افشار بود ،

بدينگونه طرح کرده است:



مشتاق خسته دل بي تاريخ رحلتش

گفتا ز بوستان سخن رفت بلبلی

که از (بوستان سخن) باید کلمه (بلبلی) را کاست تا تاریخ فوت (خادم) راست میشود (27) .

بوستان سخن- بلبلی = تاریخ فوت خادم است .

(بوستان سخن) = 1229 ، (بلبلی) = 74 .

که چون بلبل از بوستان برداشته شود 1115 سالمرگ خادم خواهد بود.

فوايد حساب تاريخ جمل (ابجد) آن است:

- 1- فن ماده تاريخنويسی سخت بوده و براي کفتن آن نياز به ممارست و تمرين زياد دارد کسي که يک ماده تاريخنويسی می سازد قدرت خود را با آن به نمايش می گذارد و سبب ميشود شعري که گفته به واسطه ايهمين ماده تاريخ در مقام بالاتری نسبت به يک شعر معمولی قرار گیرد .
- 2- گوینده از طريق نثر و يا نظم سال تاريخ را می گنجانیده و وقوع حادثه يا شرح بنا يا تخريب يا ظهور يا انقراض و ولادت و غيره را مضبوط می کرده اند تا خاطر ها به ضبط آن بيشترا ميل و راغب شوند.
- 3- بهترين و مطمئن ترين راه شناخت تاريخ يك حادثه، رجوع به ماده تاريخ است ، زيرا ماده تاريخ تحريف نمی پذيرد و تغيير و تبديل در آن راه ندارد. خاصه در واقعه های که گویندگان متعدد با عبارات گوناگون چندین تاريخ گفته باشند، برابري آنها با يکديگر راهی مطمئن بخش برای صحت تاريخ مورد نظر است.

4- این فن مشتمل بر يك نوع ورزشفكرى و رياضتادبى است و لذتیکهپس از ساختن ماده تاریخ به سازنده آن دست میدهد مشابه همان لذتى است كهيكداشمنند از حل يكمسئله ى علميپيچيده مى برد(28).
بالاخرهبايد از يادمنميرود كه اين صناعت تنها منحصر به نظم نمى شود و در نثر هم فراوان ديدهمى شود.

خاتمه :

ماده تاريخ آنست : كه شاعر در شعر خود تاريخ وقايع وحوادث وموضوعات مهم را بقول صريح يا به حساب جمل (ابجد) بيان كند .

در مورد تاريخاستفاده از ماده تاريخ و زمان ابداع اين فن اطلاعاتزيادى در دست نيست ،اما آنچهكهמידانيم اين است ،كه در صدر اسلام در ميان اعراب مورد استفاده قرار مى گرفته و در اواخر دورهخلافتعباسياستفاده از آن رايج شد ، زمان ورود اين فن به زبان فارسى به قرن پنجمهجري بر ميگردد .

شاعران فارسى گويند به اين فن تحت تاثير شاعران عرب قرار دهند ، وحتى جدول حروف كه مربوط به اعداد به همان پايگاه از شاعران عربگرفته بودند واز چهار حرف فارسى (پ ، چ ، ژ ، گ) خالى است.

اين فنمزايا بسيار داشت. و آن بهترين راه كه تاريخ وقايعاز تحريف و جعل حفظ ميكند.



الخاتمة باللغة العربية

تُعرف مادة التاريخ على انها ذكر الشاعر لتاريخ المواضيع والحوادث والوقائع المهمة في شعره سواء كان بالقول الصريح او بطريقة حساب الجُمل .

ليس لدينا تاريخ واضح ومحدد لزمان استخدام هذا الفن ولكن من المعروف انه بدء ينتشر بين الشعراء العرب في بداية صدر الاسلام وقد اخذ بالانتشار الواسع في اواخر الخلافة العباسية ويعود تاريخ استخدام هذا النوع من الفن في الشعر الفارسي الى القرن الخامس الهجري .

انشعراء الفرس قد تأثر وابهذا الفن

بالشعراء العرب و اخذو عنهم هذا الطريقة وقد استخدموا نفس قاعدة الحروف العربية التي تخلو من الحروف الفارسي ة الأربعة وهي (پ ، چ ، ژ ، گ) .

لهذا الفن فوائد كثيرة هو هو خير من يحفظ تاريخ الاحداث من التحريف والتزوير

حاشيه :

1 -على اكبر دهخدا ، لغت نامه ، تهران ، 1325 هـ . ق ، حرف (ح) ص 376.

2 -د. منصور رسنگار ، انواع شعر فارسی ، چاپ دوم ، انتشارات نوید شیراز ، سال 1380 ، ص 310 .

3 -كسايی : حكيم ابو الحسن مجد الدين كسايی مروزی از شاعران توانای پلوسی گوی ، در نیمه دوم قرن چهارم بوده است ، ولادتش به سال 341 هـ . در مرو اتفاق افتاد . د. ذبیح الله صفا ، تاريخ ادبيات ايران ، جلد اول ، چاپ بيست وششم ، انتشارات ققنوس ، تهران ، 1386 ، ص 113 .

4 -د. مهدی درخشان ، اشعار حكيم كسايی مروزی ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ، 1374 ، ص 78.

- 5- نور الدين عبدالرحمن بن نظام الدين احمد بن محمد جامي ملقب به ابو البركات ومتخلص به جامي از مشهورترين شعراي ادب پارسی قرن نهم هجري قمري است. وي در سال 817 هـ. ق به دنيا آمدوفات وي در سال 898 هـ. ق بود. بتول عارفي ، مشاهير فرهنگ وادب خراسان ، چاپ اول ، انتشارات دانشوان رشيد ، پاييز 1388 ، ص 66 .
- 6- همان منبع ص 72 .
- 7- شيخ الاسلام ابو امجد مشرف الدين مصلح بن عبد الله سعدي شيرازي يکي از بزرگترين شعراي ايران در قرن هفتم ميباشد . وي در سال 606 هـ. ق متولد شد و در سال 692 هـ. ق از دنيا رفت . حميد هاشمي ، زندگينامه شاعران ايران (از آغاز تا عصر حاضر) ، چاپ سوم ، انتشارات فرهنگ و قلم ، تهران ، 1388 ، صص 128 ، 136 ،
- 8- همان منبع صص 129 ، 134 .
- 9- شاعر شيرين سخن و بلبل غزلسراي بوستان ادب فارسي خواجه شمس الدين محمد حافظ شيرازي در اوائل قرن هشتم هجري در شهر شيراز بدنيا آمد ، و در سال 791 هـ. ق ديده از جهان فرو بست . حميد هاشمي ، زندگينامه شاعران ايران (از آغاز تا عصر حاضر) ص 145 .
- مدفن حافظ مصلاي شيراز بوده که امروزه حافظيه ناميده مي شود و آرامگاه او زيارتگاه عاشقان شعر و ادب پارسی از سراسر جهان است.
- 10 - ديوان حافظ ، به کوشش حميد هاشمي ، انتشارات فرهنگ و قلم ، تهران ، 1384 ، ص 134 .
- 11 - مهديصري ، حساب جمل در شعر فارسی ، انتشارات مرکز ، تهران ، 1378 ، ص 61 .
- 12 - د. منصور رسنگار ، انواع شعر فارسی ، ص 312 .
- 13 - زين العابدین مؤتمن ، شعر وادب فارسی ، انتشارات زرین ، تهران ، 1364 . ص 347 .

- 14 - د. منصور رسنگار ، انواع شعر فارسی، ص 312 .
- 15 - جلال الدین همائی پدرش میرزا ابوالقاسم محمد نصیر متخلص به طرب و جدش ملا محمدرضا همای شیرازی در سحرگاه شب چهارشنبه 13 دی ماه سال ۱۲۷۸ در اصفهان به دنیا آمد ، شاعر و استاد دانشکده ادبیات و دانشکده حقوق دانشگاه تهران ، وبا استاد بهار رابطه دوستی داشت ، وی در سال 1358 هـ . ق دیده از جهان فرو بست (باحث).
- 16 - محمد تقی بهار ملقب به ملک الشعراى بهار ، وی در سال ۱۲۶۳ هجری شمسی در مشهد متولد شد، بهار شاعر، ادیب، سیاستمدار و روزنامه‌نگار ایرانی است، در روز دوم اردیبهشت ۱۳۳۰ هجری شمسی، در خانه مسکونی خود در تهران زندگی را بدرود گفت و در شمیران در آرامگاه ظهیرالدوله به خاک سپرده شد.(باحث)
- 17 - د. سید هادی حائری ، میلاد بهار، جلد اول ، چاپ و انتشارات حدیث ، چاپ اول ، تهران ، 1375 هـ . ش . ص 424 .
- 18 - محمد علی صائب تبریزی فرزند میرزا عبد الرحیم خان تبریزی که در سال 1010 در شهر اصفهان پای به عرصه گیتی گذاشت ، شاه عباس دوم صفوی به او مقام ملک الشعراى داد. صائب هفتاد و یک سال زندگی کرد و در اصفهان سال 1081 هـ . ق دیده از جهان فرو بست. حمید هاشمی ، زندگینامه شاعران ایران (از آغاز تا عصر حاضر) صص 193، 194 .
- 19 - همان منبع ص 197 .
- 20 - مقدمه دیوان حافظ .
- 21 - ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک یکی از شاهزاده های قاجار، در سال 1291 هـ . ق در شهر تبریز به دنیا آمد، علوم ادبی و عربی و زبان فرانسه را به طور کامل فراگرفت و با زبانهای عربی، ترکی و روسی نیز آشنایی داشت. ایرج میرزا بر اثر سکته قلبی در سال 1344 هـ . ق درگذشت و

در گورستان ظهیر الدوله شمیران به خاک سپرده شد. حمید هاشمی ، زندگیمه

شاعران ایران (از آغاز تا عصر حاضر) ص 273.

- 22 - د. سید هادی حائری ، میلاد بهار، جلد اول ، ص 624 .
- 23 - همان منبع ، ص 625 .
- 24 - د. منصور رسنگار ، انواع شعر فارسی ، ص 312.
- 25 - همان منبع ، ص 313.
- 26 - همان منبع ، ص 313.
- 27 - مهدی صدری ، حساب جمل در شعر فارسی ، ص 217.
- 28 - همان منبع ، ص 225. حسین نخجوانی، مواد التواریخ، نشر ادبیه. چاپ شفق تبریز تهران، ۱۳۴۳. ص 34

منابع :

- 1 -بتول عارفی ، مشاهیر فرهنگ و ادب خراسان ، چاپ اول ، انتشارات دانشوان رشید ، پاییز 1388.
- 2 - حمید هاشمی ، زندگیمه شاعران ایران (از آغاز تا عصر حاضر)، چاپ سوم ، انتشارات فرهنگ و قلم ، تهران ، 1388.
- 3 - د. ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات ایران ، جلد اول ، چاپ بیست و ششم ، انتشارات ققنوس ، تهران ، 1386.
- 4 - دیوان حافظ ، به کوشش حمید هاشمی ، انتشارات فرهنگ و قلم ، تهران ، 1384 .
- 5 - زین العابدین مؤتمن ، شعر و ادب فارسی، انتشارات زرین ، تهران، 1364 .

